



تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر افزایش انگیزه در دانش‌آموزان پایه ابتدایی

ملیکا نامدار

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان بنت الهدی صدر قزوین

Melikanamdar305@gmail.com

فاطمه اردستانی

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان زینبیه پیشوا

fatemehardestani108@gmail.com

فاطمه کچوئی سالاری

دانشجوی کارشناسی رشته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان زینبیه پیشوا

fatmhkchwyysalary@gmail.com

1

چکیده

آموزش و پرورش یک فرآیند سیستماتیک است و تمرکز آن بر آموزش و همچنین یادگیری می‌باشد. روش‌های تدریس در امر یادگیری نقش کلیدی دارد و دادن دستورالعمل به دانش‌آموز مانند یک کشتی خالی که هر نوع اطلاعات را می‌توان به آن انتقال داد، کارساز نیست. بنابراین نظام آموزشی باید به دانش‌آموزان شیوه‌های تفکر را آموزش دهد و آن‌ها را افرادی خلاق، مبتکر، خودکار آمد، خودانگیزه و خودتنظیم بار آورد. از جمله روش‌های تدریس که سبب می‌شود فراگیران هم مستقل باشند و هم تفکر انتقادی و احترام به یکدیگر را بیاموزند، روش تدریس مشارکتی است. هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه اثرات یادگیری مشارکتی و آموزش سنتی بر افزایش انگیزه بر روی عواملی همچون موفقیت تحصیلی، خودکارآمدی، مهارت اجتماعی و عزت نفس است. روش تحقیق در این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای (علمی-ترویجی) می‌باشد. نتایج نشان دادند که عواملی مانند موفقیت تحصیلی، خودکارآمدی، مهارت اجتماعی و عزت نفس، با افزایش انگیزه در گروه آموزش مشارکتی نسبت به آموزش سنتی رابطه مستقیم داشته و تفاوت بین آنها از لحاظ آماری معنی‌دارتر است.

کلید واژگان: یادگیری مشارکتی، آموزش سنتی، انگیزه، موفقیت تحصیلی، خودکارآمدی، مهارت اجتماعی، عزت نفس



MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش

مقدمه

آموزش و پرورش، وسیله رسیدن آدمی به نهایت شرافت انسانی است. کانت^۱ معتقد است: بشر، تنها با تعلیم و تربیت به کمال می رسد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می سازد، نیست. از این رو مسئله تعلیم و تربیت بزرگ ترین و دشوارترین مسئله ای است که انسان با آن از گذشته تاکنون درگیر بوده و تنها آفریده ای است که به آن محتاج است.

معمولاً فعالیت هایی را که معلم به قصد آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان به تنهایی یا به کمک مواد آموزشی انجام می دهد آموزش می نامند؛ چه این معلم در دبستان، چه در دبیرستان و چه در دانشگاه یا در یک دوره کوتاه کارآموزی به آموزش مشغول باشد. پس بنا به تعریف، آموزش به فعالیت هایی گفته می شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح ریزی می شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت یک کنش متقابل جریان می یابد. دقت کنید که در این تعریف بر آموزش به صورت فعالیت ها یا اقداماتی که از سوی معلم طراحی می شوند و هدف آن ها سهولت بخشیدن یا کمک کردن به یادگیری یادگیرندگان است، تاکید شده.

یادگیری فعالیتی است که از سوی یادگیرنده انجام می گیرد و خود او در شکل گیری آن نقش مستقیم دارد و نقش معلم صرفاً فراهم آوردن شرایط و امکاناتی است که یادگیری را آسان می سازد.

چرا باید مدام یاد بگیریم؟ اهمیت یادگیری چیست؟ این ها سوالاتی مهم و اساسی در زمینه یادگیری هستند که پاسخ به آن ها می تواند نگرشی مثبت از یادگیری و اثربخشی آن در ذهن ها ایجاد کند.

یادگیری علم آنقدر مهم است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «باسوادی که بخوابد، از بی سوادی که نماز بخواند بهتر است.» البته علمی دارای ارزش است که انسان را اصلاح و از حسادت، شرک و مفساد اخلاقی دور کرده و عبادت را در وجود او متجلی کند.

اهمیت یادگیری، در ارتقای عملکرد انسان نهفته است. یادگیری، آموزشی است که منجر به تغییر رفتار می گردد. بنابراین آموزش، ابزاری برای رسیدن به هدف یادگیری است. انسان های یادگیرنده افزون بر این، سرآغاز سازمان های یادگیرنده هستند؛ سازمان هایی که یکایک پرسنل آن از قابلیت هایی منحصر به فرد برخوردار بوده و هر یک از ایشان از مدیرعامل گرفته تا نیروهای میزبند، به شکل مداوم در حال یادگیری و مهارت افزایی هستند. اهمیت یادگیری تا بدانجا است که حتی مکانیزم آن در برخی جانداران نظیر زنبورهای عسل که مهندسين طبيعت لقب گرفته اند نیز مشاهده می شود.

کاهش سطح یادگیری منجر به کاهش اعتماد به نفس می شود (اعتماد به نفس توانایی انجام یک کار یا یک مهارت است). حال تصور کنید در دنیای پیچیده امروز که تکنولوژی و انفجار اطلاعات، انسان را وارد نبرد "بیشتر یاد داشته باش تا بیشتر موفق باشی" نموده است، آموختن روش های صحیح یادگیری، اعتماد به نفس شما را افزایش می دهد و گام بزرگی به سوی موفقیت فردی و حرفه ای شما خواهد بود.

اشاره کردیم که هدف آموزش، آسان کردن یادگیری است. یادگیری را می توان به راه های گوناگون تعریف کرد: کسب اطلاعات و اندیشه های تازه، مهارت های متنوع و راه های گوناگون حل کردن مسائل. بسیاری از معلمان در تلاشند تا فرآیند آموزش را از حالت منفعل بیرون بیاورند و دانش آموزان را ترغیب کنند تا به صورت فعالانه در یادگیری مطالب درسی مشارکت داشته باشند.



بقای نظام تعلیم و تربیت، از طریق آموزش سنتی با تکیه بر مطالب کتب درسی و نگرش به دانش آموزان به عنوان موجودی مطیع و گیرنده دانش و محور دانستن معلم در جریان تعلیم و تربیت، در دنیای پرشتاب امروزی امکان پذیر نیست. همچنین همه کودکان باید بدون توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی فرصت رشد مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نظر نیاز در قرن بیست و یکم را داشته باشند. آموزش در ایران بیشتر با استفاده از روش‌های سنتی و به گونه معمول سخنرانی انجام می‌شود و رویکرد معلم‌محوری و دانش‌محوری بر آن حاکم است. روش تدریس سنتی، به جای پرورش و ظهور خلاقیت، سبب نابودی و حذف آن می‌گردد. شیوه‌های آموزش سنتی، به دلیل عدم طرح موضوع‌های بحث‌انگیز، محیط آموزشی ملال‌آور ایجاد می‌کند. از این رو می‌توان گفت که هر پیشرفتی در جامعه از نظام کارآمد آموزش و پرورش نشأت می‌گیرد.

نتیجه تدریس مؤثر، یادگیری کارآمد فراگیران است. فراگیری که خوب یاد می‌گیرند تا راهبردهای خوب یادگرفتن و کسب آموزش و پرورش را در خود توسعه دهند. کارشناسان تعلیم و تربیت اعتقاد دارند فراگیری که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می‌پردازند نه تنها بهتر فرا می‌گیرند، بلکه از یادگیری نیز لذت بیشتری می‌برند. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه حاکی از آن است که تدریس فعال، موجب همکاری بیشتر دانش آموزان با یکدیگر و کاهش مشکلات مدیریت کلاس می‌شود و تأثیرات مثبت هم‌آموزی بر پیشرفت تحصیلی و روابط میان گروهی دارد. بنابراین تلاش در جهت دخالت دادن هر چه بیشتر فراگیران در فرآیند یاددهی-یادگیری و درگیر کردن آن‌ها در ارتقای درک، فهم و دانش خود مورد توجه بسیاری از صاحب نظران بوده است.

3 از جمله روش‌های نوین که امروزه توجه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده یادگیری مشارکتی است. یادگیری مشارکتی یکی از جایگزین‌های مناسب برای روش‌های تدریس مرسوم می‌باشد که در بین روش‌های آموزشی، از جمله روش‌هایی است که بررسی‌ها نشان داده‌اند می‌تواند به کاهش اضطراب و همچنین افزایش انگیزه برای امر یادگیری کمک کند. در امر یادگیری، مشارکت دانش آموزان در کلاس درس و فرآیند یادگیری یعنی تبدیل کلاس درس به یک تیم آموزشی که در آن معلم و دانش آموز در یک جایگاه قرار دارند، ضروری است. معلمان در این روش نردبان‌هایی را در اختیار دانش آموز می‌گذارند تا به سطوح درک و تفکر صعود کنند ولی این خود دانش آموزان هستند که باید از این نردبان‌ها بالا بروند. توجه به مشارکت افراد در زمینه یادگیری تا حدودی باعث مسئولیت‌پذیری در کارها می‌گردد و عامل تقویت بنیان‌های اجتماعی و عامل بروز شکوفایی افکار و ایده‌هاست. در واقع هنگامی که مشارکت بین افراد صورت پذیرد، تمام اعضاء وجود خود را محترم، با ارزش و کارساز می‌یابند و خود را درس‌نویس سازمان خود سهیم می‌دانند. در این صورت است که حس مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال تصمیمات اتخاذ شده در افراد بروز کرده و همکاری بین فراگیران منجر به آموختن مهارت‌های بیشتر می‌شود. بدین ترتیب فرهنگ همکاری و روش‌های بررسی گروهی، موجب ایجاد انگیزش می‌گردد و لذت یادگیری را منجر می‌شود. هدف ما از این مقاله تاثیر روش یادگیری مشارکتی بر افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان ابتدایی می‌باشد. منشاء اولیه شکل‌گیری و توسعه یادگیری مشارکتی، تعریف دوش^۲ (۱۹۴۹) از مشارکت است. دوش یک موقعیت مشارکتی را موقعیتی می‌داند که در آن هر فرد تنها در صورتی می‌تواند به هدف خود برسد که همه افراد به اهدافشان برسند. دوش اعتقاد داشت که تعاملات مشارکتی باعث می‌شوند مشارکت‌کنندگان تجربه روشنی از علائق مشترک، کوشش‌های مشترک، توزیع یکسان قدرت، اعتماد و صداقت داشته باشند.



در این روش یادگیری دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک ۴ الی ۶ نفره کار می‌کنند (که این تعداد برای اعضای گروه وابسته به درس مورد تدریس و جمعیت کلاس است) و یکدیگر را به سوی یادگیری بیشتر سوق می‌دهند (جانسون^۳، جانسون و هولوبک^۴، ۱۹۹۹). این روش، با فراهم آوردن امکان تجربه موفقیت برای همه افراد گروه، جنبه منفی رقابت را از بین می‌برد (گرشاسی، ۲۰۱۶).

پس از دش، آرنسون^۵، بلانسی^۶، سیکس^۷ و استفان^۸ (۱۹۷۸) با استفاده از تعریف وی در خصوص موقعیت مشارکتی در تلاش برای ارائه یک الگوی عینی و عملی از موقعیت مشارکتی در یادگیری موفق، به ارائه تکنیکی به نام "تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف" شدند. ماهیت این تکنیک به این صورت است که دانش‌آموزان را ملزم می‌کند به اینکه با هم کار کنند، همدیگر را آموزش دهند و برای رسیدن به اهدافشان به هم متکی باشند.

جانسون و اسلاوین^۹ تحقیقات متعددی در خصوص یادگیری مشارکتی انجام داده‌اند که تحقیقات اسلاوین بر تاثیر یادگیری مشارکتی بر موفقیت تحصیلی و تحقیقات جانسون بر تاثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی برای فعالیت‌های گروه تمرکز دارد. پیترسون^{۱۰} (۱۹۹۱) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر جنسیت بر میزان موفقیت در موقعیت‌های یادگیری مشارکتی و آموزش سنتی و نیز میزان یادداری مطالب پرداخت. در مطالعه دیگری لنینگ^{۱۱} (۱۹۹۳) دریافت که یادگیری مشارکتی تاثیر مثبت و معنی‌داری را در مقایسه با آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی آزمودنی‌ها دارد. کندی^{۱۲} (۱۹۸۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آزمودنی‌های گروه یادگیری مشارکتی در مقایسه سنتی از انگیزه پیشرفت بالاتری برخوردار هستند.

در حال حاضر، تدریس مشارکتی با بسیاری از دیدگاه‌ها، از جمله مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی رشد، زبان‌شناسی و روان‌شناسی پیوند خورده است. در این زمینه بیش از ۱۲۰۰ پژوهش انجام شده است. نتایج این پژوهش‌ها برتری یادگیری و تدریس مشارکتی نسبت به روش تدریس سنتی را تأیید کرده‌اند. بنابراین روش تدریس مشارکتی یکی از قوی‌ترین روش‌های تدریس است.

شاید بتوان گفت یکی از اهداف بکارگیری یادگیری مشارکتی ایجاد فرصت لازم برای همه دانش‌آموزان در جهت استفاده بهینه از توان و استعداد و فرصت خود برای رسیدن به پیشرفت تحصیلی بیشتر می‌باشد. البته تحقیقات نیز نشان دهنده این نظر است که یادگیری مشارکتی یکی از مفیدترین روش‌های ایجاد خلاقیت و ابتکار و انگیزه در دانش‌آموزان و نیز مجهز کردن آنها به قدرت درک همدلانه و تعامل صحیح و منطقه با یکدیگر می‌باشد؛ زیرا در این روش دانش‌آموزان به نقد و بررسی و تسلط یافتن بر مطالب و ایجاد روابط تنگاتنگ با همدیگر در امر آموزش فراخوانده می‌شوند.



بحث متداولی که وجود دارد این است که آیا عزت نفس در یادگیری موثر است؟ و چگونه افراد با روش یادگیری مشارکتی به موفقیت تحصیلی می‌رسند؟ چه میزان این روش یادگیری موثر است و آیا برای ترغیب کردن دانش‌آموزان در یادگیری نقش دارد؟ آیا این روش نسبت به روش سنتی اثربخش خواهد بود؟ آیا اینکه یادگیری مشارکتی چه مقدار باعث خودکار آمدی می‌شود؟ و در نهایت اینکه آیا یادگیری مشارکتی می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را افزایش دهد؟ هدف نگارش این مقاله یافتن پاسخی برای سؤالاتی از این دست می‌باشد.

روش گردآوری اطلاعات

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای (علمی ترویجی) استفاده شده است.

انگیزه

انگیزش^{۱۳} از واژه لاتینی "Motivus" به معنای جنبنده^{۱۴} گرفته شده است. در حوزه رفتار انسان عواملی وجود دارند که نه تنها ما را به فعالیت وادار می‌کنند، بلکه ما را به سوی هدف خاصی سوق می‌دهند. روان‌شناسان این عوامل را انگیزه می‌نامند. تعریف انگیزش بستگی به مفاهیم نظری روان‌شناسی دارد. در واقع تعریف یک روان‌شناس از انگیزش به دیدگاه او بستگی دارد، اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان انگیزش را به صورت «مجموع متغیرهای پیچیده ارگانیزمی و محیطی که کنش آنها به فعالیت عمومی و جهت‌دار احساس و رفتار منجر می‌شود.» تعریف کرد. انگیزش اغلب به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه چیزی موجب رفتار می‌شود؟ چرا رفتار به سمت هدفی خاص و نه اهداف دیگر هدایت می‌شود؟ به عبارت دیگر مسئله مهم در تحلیل انگیزشی رفتار فهمیدن محرک رفتار، دوام رفتار و پایان رفتار است. انگیزش به فرآیندهایی ارتباط دارد که به رفتار، نیرو و جهت می‌دهد. این فرآیندها عبارتند از: نیازها، شناختها، هیجانها و رویدادهای بیرونی. نیازها با شرایط درونی فرد که برای ادامه‌ی زندگی و رشد و سلامتی ضروری است، ارتباط دارد. شناختها، عقاید، باورها و رویدادهای ذهنی، انتظارات و خودپنداره را شامل می‌گردد که نحوه‌ی تفکر را بیش‌تر نشان می‌دهد. هیجانها، به صورت پدیده‌های ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی و چند بعدی هستند. رویدادهای بیرونی، مشوق‌هایی است که رفتار فرد را نیرومند می‌سازد و به سمت رویدادهایی هدایت می‌کنند، گرچه ممکن است این رویدادها از پیامدهای مثبت یا آزاردهنده خبر دهند.

همانطور که پیش‌تر بیان شد، هدف ما از نگارش این مقاله بررسی اثرگذاری روش تدریس مشارکتی بر افزایش انگیزه دانش‌آموزان ابتدایی است. اکنون که با مفاهیمی چون یادگیری مشارکتی و انگیزه آشنا شده‌ایم به بررسی ۳ عامل می‌پردازیم. این عوامل را از دیدگاه یادگیری مشارکتی و افزایش انگیزه بررسی کرده تا به نتیجه مورد نظر دست پیدا کنیم. این عوامل عبارتند از: تأثیر یادگیری مشارکتی بر افزایش خودکارآمدی، موفقیت و پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس.

۱- تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر افزایش خودکارآمدی

از مفاهیم عمده‌ای که در سال‌های اخیر نظر صاحبان اندیشه در عرصه تعلیم و تربیت و پژوهشگران را متوجه خود کرده است، مفهوم خودکارآمدی و شیوه‌های ارتقاء آن در بین فراگیران است. تأثیر انگیزشی خودکارآمدی می‌تواند چشمگیر باشد؛

وقتی که افراد احساس کارآمدی بالایی داشته باشند، در فعالیت هایی شرکت خواهند کرد که به تسریع توسعه مهارت‌ها و قابلیت‌های آنان بی‌انجامد. در مقابل افراد واجد خودکار آمدی پایین از فراکنش در فعالیت‌های چالش‌زا خودداری می‌کنند. روش‌های تدریس فعال از این جهت می‌تواند به افزایش خودکارآمدی فراگیران کمک کنند که آنها قادر شوند ادراک کنترل بیشتری بر تکالیف داشته باشند و نیز محتوای حاصل شده، نتیجه فعالیت‌های خود فراگیران در آفرینش محتوای آموزه‌ها است. یادگیری مشارکتی از جمله روش‌های فعال عرصه یادگیری و تدریس به شمار می‌آید. از طرفی چون انسان‌ها ماهیت اجتماعی دارند و یادگیری هم یک فرایند اجتماعی است، وقتی افراد ایده‌های خود را بیان می‌کنند یا در مورد آنها بحث می‌کنند بسیار بهتر از زمانی که به تنهایی درس می‌خوانند درک و فهم خود را پرورش می‌دهند.

در مطالعه‌هایی که در مورد بررسی تاثیر راهبرد یادگیری مشارکتی بر خودکارآمدی فراگیران صورت گرفته است، نشان می‌دهند که فراگیران در محیط‌های مشارکتی نسبت به محیط‌های یادگیری رقابتی و انفرادی به خودکارآمدی بالایی دست می‌یابند. علاوه بر این پیشرفت تحصیلی بیشتری نیز دارند. این پژوهش‌ها مبین آن هستند که خودکارآمدی به عنوان یک متغیر میانجی بین محیط‌های یادگیری و پیشرفت عمل می‌کند. نتیجه پیشرفت‌ها، افزایش انگیزه است. با توجه به همین نکته می‌توان این چنین برداشت کرد که افزایش خودکارآمدی، افزایش انگیزه را نیز به دنبال خواهد داشت.

۲- تأثیر روش یادگیری مشارکتی بر افزایش موفقیت و پیشرفت تحصیلی

یکی از وظایف نظام آموزشی، پرورش افرادی است که دارای اندیشه انتقادی و خلاق هستند و توانایی حل مسئله و گشودن گره‌ها و معضلات را دارند، نه انباشت اطلاعات و دانش‌هایی که به سرعت منسوخ خواهند شد. بدین ترتیب لازم است که معلمان برای تدریس روش‌هایی را به کار ببرند که ممکن است با روش‌هایی که خود آنها آموزش دیده‌اند، بسیار متفاوت باشد. یعنی آنها باید دانش آموزان را به صورت فعال و متفکر در فرایند یادگیری دخالت دهند. معلمان نردبان‌هایی را در اختیار دانش آموز می‌گذارند تا به سطوح درک و تفکر صعود کنند ولی این خود دانش آموزان هستند که باید از این نردبان‌ها بالا بروند. موفقیت و پیشرفت تحصیلی در هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف‌یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می‌توان کارآمد و موفق دانست که موفقیت تحصیلی دانش آموزان آن در دوره‌های مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد (تمنایی فر، گندمی، ۱۳۹۰). پس تلاش در جهت دخالت دادن هر چه بیشتر فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری از طریق روش تدریس مشارکتی می‌تواند در پیشرفت تحصیلی مؤثر بوده و تا حدی آنها را برای حضور مؤثر در دنیای امروز آماده نماید.

پیشرفت تحصیلی بیانگر میزان دستیابی به استانداردها و اهداف آموزشی است. به عبارت دیگر، به معنای موفقیت است و برای تعیین پیشرفت در تحصیل به کار می‌رود. پیشرفت تحصیلی سنجشی، از طریق آزمون تعریف می‌شود و در مفهوم کلی در حالی که متمایز از آزمون‌های استعداد و هوش می‌باشد، آنچه را که در ریاضیات، تاریخ و غیره انجام گرفته است را می‌سنجد از این رو پیشرفت تحصیلی به کیفیت یادگیری کسب شده در یک درس و یا گروهی از دروس پس از یک دوره آموزشی می‌پردازد. در واقع پیشرفت تحصیلی با فراگیری اصول و توانایی عمل کردن مؤثر بر روی اهداف و موضوعات مرتبط است. هنگامی که دانش آموزان با ویژگی‌های مختلف در یک گروه برای یک هدف مشترک کار می‌کنند، تلاش و تعامل مشترک، انگیزه بیشتری را در فرد، نسبت به محیط‌های مبتنی بر رقابت و فردگرایی ایجاد می‌کند (گرشاسبی، ۲۰۱۶) در یادگیری مشارکتی هنگامی که دانش آموزان با یکدیگر روی تکالیف کار می‌کنند، بین آنان دوستی برقرار می‌گردد و انگیزه بیشتری برای یادگیری به وجود می‌آید.

بنابراین دانش آموزان در یادگیری مشارکتی، با یکدیگر رقابت نمی‌کنند بلکه با یکدیگر مشارکت می‌کنند و همه امکان موفقیت را دارند. در این شیوه یادگیری، اعضای گروه به یکدیگر کمک می‌کنند تا تمام مطالب درسی را همه اعضا یاد بگیرند و



بر مطالب درسی مسلط شوند. بدین ترتیب این شیوه یادگیری می تواند، موجب پیشرفت تحصیلی شود و همچنین می تواند با افزایش پیشرفت و موفقیت تحصیلی در افراد، انگیزه آنان را نیز، افزایش دهد.

۳- تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی و عزت نفس

روش های یادگیری مشارکتی موجب روابط مثبت میان نژادهای مختلف مدارس و افزایش عزت نفس دانش آموزان می شود و شاران^{۱۵} (۱۹۸۰) به سودمندی روش گروهی به دلیل بالا بردن سطح یادگیری بدون از دست رفتن فراگیری اطلاعات پایه و در نتیجه بهبود جو اجتماعی کلاس اشاره می کند.

هارتاپ^{۱۶} معتقد است دانش آموزانی که به آنها مسئولیتی واگذار می شود و به سایر همکلاسی های خود درس می دهند، مطالبی می آموزند و انگیزش آنها با موضوع درسی افزایش و عملکرد تحصیلی شان بهبود می یابد. علاوه بر این عزت نفس رفتار اجتماعی دانش آموزان بهتر می شود. مطالعه اسلاوین (۱۳۷۱) نشان می دهد دانش آموزانی که به شیوه گروهی آموزش می بیند، از حیث نوع دوستی، برخورد های دوستانه و رفتارهای مطلوب اجتماعی نسبت به دانش آموزان دیگر از وضعیت بهتر برخوردار بودند و تمایل بیشتری به احترام گذاشتن به ارزش ها و احترام به دیگران داشتند.

نتایج تحقیقات انجام یافته نشان می دهد که یادگیری مشارکتی می تواند در زمینه های توسعه مهارت های ارتباط شفاهی، توسعه مهارت های اجتماعی، بالا بردن عزت نفس، کمک به بهبود روابط بین نژادی، بهبود نگرش های مثبت دانش آموزان به یادگیری، مدرسه، همکلاسی ها و خودشان، مهارت های احترام به دیگران، مهارت های رعایت مقررات، مهارت های انجام وظیفه، و مهارت های تحمل پذیری برای فراگیران متمر ثمر باشد. با توجه به نقش اساسی مهارت های اجتماعی در روابط میان فردی و ویژگی اکتسابی بودن آنها از یک سو و ارتباط مهارت های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی و نقش آنها در کاهش مشکلات روحی، ذهنی و کجروی های اخلاقی از سوی دیگر، ضرورت آموزش آنها به طور کامل احساس می شود. بنابراین، با توجه به اهمیت مسئله، بویژه یادگیری در سطوح آموزش های عمومی، ضرورت دارد تا با انجام پژوهش ها و تحقیقات و مدنظر قرار دادن نتایج آنها در این خصوص، مقدمات به کارگیری روش های فعال یاددهی - یادگیری در کلاس های درس فراهم شود تا در روند جامعه پذیری و آموزش مهارت های اجتماعی فراگیران متمر واقع شود.

شیوه یادگیری مشارکتی تغییراتی سازنده و البته پایدار را در مهارت های اجتماعی آموزندگان ایجاد می کند. یافته های پژوهش هایی همچون کرامتی (۱۳۸۶)، که یادگیری مشارکتی را در بهبود مهارت های اجتماعی مؤثر یافته اند، از این یافته حمایت می کنند. از آنجا که به اعتقاد مریل^{۱۷} و گیمپل^{۱۸} (۱۹۹۸) مهارت های اجتماعی، رفتارهایی آموختنی و وابسته به موقعیت هستند و همچنین با توجه به نقش ارزنده و قابل توجه آموزشگاه و محیط آموزشی بر ساختار رشد و تکامل شناختی، عاطفی و اجتماعی آموزندگان، به نظر می رسد که همیاری و همکوشی آموزندگان در جریان یادگیری مشارکتی، همدلی با دیگران، توجه به نظرات آنان و شیوه درست مخالفت و موافقت با دیگران را به آنان می آموزد؛ رفتارهای محل نظم و تنش های میان گروهی را کاهش می دهد و بر مسئولیت آنان در قبال یکدیگر می افزاید زیرا در این شیوه همسال محور، آموزندگان تنها در برابر یادگیری



خود بلکه نسبت به یادگیری دیگرآموزندگان هم تعهد دارند و بدین ترتیب زمینه مناسب برای رشد مهارت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد.

از سویی دیگر، ویژگی برجسته این‌گونه آموختن، این است که گذرا و سطحی نیست بلکه بادوام و پایدار است. از آنجا که عزت نفس، ویژگی‌ای آموختنی است (پوپ^{۱۹} و همکاران، ۱۹۸۸) و آموختن هم وابسته به موقعیت است و برخی موقعیت‌ها برای آموختن مناسب‌تر از دیگر موقعیت‌ها هستند، می‌توان گفت به این دلیل که یادگیری مشارکتی مستلزم فعالیت‌هایی همچون گفت‌وگو و اظهارنظر، همراهی و همدلی با دیگران و مسئولیت‌پذیری در قبال همگروهی‌هاست؛ شرایط مناسبی را برای افزایش عزت نفس در آموزندگان فراهم کرده است. البته با توجه به آنکه به کارگیری یادگیری مشارکتی، به آموختنی که معنی‌دار و عمیق است می‌انجامد، پیشبینی می‌شود که تغییرات مطلوب پدید آمده در عزت نفس آموزندگان، تغییراتی پایدار باشند که نتایج حاصل از آزمون پیگیری، پایداری این تغییرات را تایید نموده است.

مهارت‌های اجتماعی شامل ابعاد است مانند: ارتباط، حل مسئله و تصمیم‌گیری، جرئت‌ورزی، تعامل با همسالان و گروه خودم‌دیریتی. لذا دارا بودن این مهارت‌ها موجب بهبود استقلال و کیفیت مطلوب و زندگی می‌شود. در نتیجه باید به دنبال افزایش مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان باشیم و یکی از این راه‌ها به کارگیری یادگیری مشارکتی است. بنابر دیدگاه شناختی اجتماعی بندورا^{۲۰} افراد می‌توانند با مشاهده عملکرد همسالان خود به کسب مهارت‌ها و اطلاعات آنها بپردازند و زمانی که موفقیت خود یا دوستانشان تقویت می‌شود انگیزه آنها برای انجام آن کار افزایش پیدا می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتقاء سطح عزت نفس انگیزه برای فراگیران را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در گذشته اعتقاد بر این بود که تنها کلاس‌های ساکت و بی‌تحرك کلاس‌های یادگیری واقعی هستند. اما امروزه بسیاری از مدارس درصدد استفاده از برنامه‌هایی هستند که دانش‌آموزان را به بیان عقاید و مشارکت در یادگیری دعوت می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها در این زمینه حاکی از آن است که تدریس فعال موجب همکاری بیشتر دانش‌آموزان با یکدیگر و کاهش مشکلات مدیریت کلاس می‌شود و تاثیرات مثبت هم‌آموزشی بر پیشرفت تحصیلی و روابط میان گروهی دارد. روش یادگیری مشارکتی به افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در زمینه درسی رشد مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس و خودکارآمدی منجر می‌شود که در بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله تمام این عناوین نیز انگیزه در یادگیری دانش‌آموزان را ارتقاء می‌بخشد. یادگیری مشارکتی فرصتی است برای کسب مهارت‌های اجتماعی و به فراگیران امکان می‌دهد تا با گروه وسیعی از افراد کلاس و یا خارج از کلاس به راحتی کار یا مطالعه کنند به عبارت دیگر گروه فرصت ابراز شخصیت را برای فرد فراهم می‌کند و جایی است که فرد در آن فرد مهارت‌های اجتماعی زیادی را می‌آموزد و به تناسب ذوق و استعداد خود مسئولیت قبول می‌کند. تاثیر مثبت و معنی‌دار یادگیری مشارکتی بر انگیزه پیشرفت مورد تایید قرار گرفت. در تبیین این یافته به طور کلی می‌توان چنین استدلال نمود که اگر دانش‌آموزان موفقیت را در زمینه‌ای تجربه کرده و از خودکارآمدی، عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی بالایی برخوردار باشند، احساس ارزشمندی نموده و در نتیجه باعث افزایش انگیزه او برای انجام فعالیت‌های دیگر می‌شود.



منابع :

- احمدخیاط. س - مطالعه تأثیر روش تدریس مشارکتی بر یادگیری و موفقیت تحصیلی دانش آموزان - مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی - شماره ۵۰ - ص ۱۱۷ تا ۱۲۶ - ۱۳۹۹
- ادیب. ی و صفرعلی زاده. م - بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی در تعامل با سبک های یادگیری بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان دختر پایه اول دبیرستان - فصلنامه پژوهش های نوین روانشناختی سال نهم شماره ۳۵ - ص ۱ تا ۱۸ - ۱۳۹۳
- استوار. ن - اثربخشی یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر تبریز - پیک نو - سال هشتم - شماره اول - ص ۱۰۰ تا ۱۱۰ - ۱۳۸۷
- اسلوین. ر - ترجمه فقیهی قزوینی. ف - جمع بندی تحقیقات انجام شده پیرامون یادگیری مشارکتی - فصلنامه تعلیم و تربیت - شماره ۳۰ - ص ۱۱۴ تا ۱۲۹ - ۱۳۷۱
- اسماعیلی. ا و موسوی. ف - مقایسه روش تدریس مشارکتی از طریق محیط یادگیری الکترونیکی با شیوه سخنرانی و تأثیر آنها بر خلاقیت و پیشرفت درسی - دانشگاه فرهنگیان دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی سال چهارم ، شماره دوازدهم - ص ۹۷ تا ۱۰۹ - ۱۳۹۵
- اسمعیلی. ز و قوانلو. ا - اثر روش تدریس یادگیری مشارکتی بر مهارت های اجتماعی و عزت نفس دانش آموزان - مجموعه مقالات چهارمین کنگره انجمن روانشناسی ایران ، روانشناسی معاصر ، (ویژه نامه) - ص ۲۱۱ تا ۲۱۵ - ۱۳۹۱
- جباری. س - تأثیر آموزش فراشناختی خواندن با روش یادگیری مشارکتی (CIRC) بر میزان درک مطالب کودکان دیر آموز - مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز - دوره بیست و دوم - شماره چهارم - ص ۸۳ تا ۹۳ - ۱۳۸۴
- حاجی حسینلو. خ و خالق خواه. ع و زاهد بابلان. ع و معینی کیا. م - تأثیر یادگیری مشارکتی با گروه های پیشرفت بر خودکارآمدی و خودپنداره ریاضی دانش آموزان - فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی - سال سیزدهم - شماره چهل و سوم - ص ۱۱۷ تا ۱۳۷ - ۱۳۹۶
- حسن زاده پلکویی. ش و صالحی. ک و مقدم زاده. ع - پژوهش در نظام های آموزشی - شماره ۴۰ - ص ۳۹ تا ۶۳ - ۱۳۹۷
- حسینی. ز - یادگیری مشارکتی و تفکر انتقادی - فصلنامه روان شناسان ایرانی، سال پنجم - شماره ۱۹ - ص ۱۹۹ تا ۲۰۸ - ۱۳۸۷
- حسینی نسب. د و سلطانی. ا - تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان - اندیشه های نوین تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهرا(س) دوزه ۷ ، شماره ۳ - ص ۹ تا ۲۹ - ۱۳۹۰
- شکاری. ع - تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان - فصلنامه راهبرد های آموزش دوره ۵ - شماره ۱ - ص ۳۱ تا ۳۷ - ۱۳۹۰
- صیادپور. ز و صیادپور. م - تأثیر یادگیری مشارکتی بر اضطراب و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان - پژوهش در نظام های آموزشی - شماره ۳۹ - ص ۹۷ تا ۱۱۲ - ۱۳۹۶



عظیمی. م و کیانی. ق و ادیب. ی و پیری. م - تأثیر اجرای شیوه های مختلف یادگیری مشارکتی بر خودکارآمدی عمومی دانش آموزان - پژوهش در برنامه ریزی درسی - شماره ۴۹ - ص ۹۹ تا ۱۰۹ - ۱۳۹۵

علیپور کتیگری. ش و حیدری. ح و نریمانی. م و داوودی. ح - مقایسه روش تدریس مشارکتی و روش تدریس سنتی بر اشتیاق تحصیلی، خودکارآمدی و خودتنظیمی در دانش آموزان - فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی دوره ۱۴، شماره ۴۸ - ص ۲۳ تا ۳۹ - ۱۳۹۰

غفاری. خ و کاظم پور. ا - تأثیر روش یادگیری مشارکتی در رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان - رهبری و مدیریت آموزشی - شماره ۱۹ - ص ۸۷ تا ۱۰۶ - ۱۳۹۱

فتوحی آشیانی. ع و ایوبی. م - مقایسه یادگیری مشارکتی و یادگیری سنتی بر پیشرفت تحصیلی - مجله روانشناسی ۱۱ - سال سوم، شماره ۳ - ص ۲۲۲ تا ۲۳۰ - ۱۳۷۸

فهامی. ر و عزتی. م - مطالعه ی تأثیر یادگیری مشارکتی (تفحص گروهی) بر رشد مؤلفه های مهارت های اجتماعی دانش آموزان دختر پایه ی پنجم ابتدایی ناحیه ی ۵ شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ - فصلنامه ی علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت سال دوم - شماره چهارم - ص ۶۳ تا ۷۶ - ۱۳۸۸

کرامتی. م و حیدری رفعت. ا و عنایتی نوین فر. ع و هدایتی. ا - تأثیر یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی و اضطراب امتحان - فصلنامه نوآوری های آموزشی - شماره ۴۴ - سال یازدهم - ص ۸۳ تا ۹۸ - ۱۳۹۱

کلانتر قریشی. م - تأثیر روش آموزش تلفیقی یادگیری مشارکتی و یادگیری در حد تسلط بر خودکارآمدی، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی - پژوهش در نظام های آموزشی شماره ۱۲ رتبه علمی-پژوهشی - ص ۸۹ تا ۱۰۷ - ۱۳۹۰

کیامنش. ع - آموزش همه جانبه و مشارکتی در دوره ابتدایی، دستاوردها و چشم اندازها - فصلنامه نوآوری های آموزشی - شماره ۱۰ - سال سوم - ص ۱۳ تا ۳۴ - ۱۳۸۳

کریمی مونقی. ح و محمدی. ا و صالح مقدم. ا و غلمی. ح و کارشکی. ح و زمانیان. ن - مقایسه تأثیر آموزش به روش یادگیری مشارکتی و سخنرانی بر باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی - مجله آموزش در علوم پزشکی - شماره ۱۴ - سال پنجم - ص ۳۹۳ تا ۴۰۲ - ۱۳۹۳

گرشاسی. ا و فتوحی واجارگاه. ک و عارفی. م - تأثیر یادگیری مشارکتی همیار دبیر و خودارزیابی بر انگیزش خود و عملکرد تحصیلی دانش آموزان سوم دبیرستانی - فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی - سال دهم - شماره ۱ - ص ۴۵ تا ۶۸ - ۱۳۹۸

موسوی. ش و سرداری. ب - تعیین اثربخشی الگوی یادگیری مشارکتی بر یادگیری خودراهبر (خودمدیریتی، رغبت برای یادگیری و خودکنترلی) دانش آموزان دختر - نشریه علمی آموزش و ارزشیابی - شماره ۴۶ - سال دوازدهم - ص ۶۵ تا ۸۴ - ۱۳۹۸

نیسی. ع و نجاریان. ب و شیخیانی. م - مقایسه اثرات یادگیری مشارکتی و آموزش سنتی بر عملکرد تحصیلی، یادداری مطالب، انگیزه پیشرفت و خودپنداره دانش آموزان سال دوم متوسطه

1ST INTERNATIONAL CONFERENCE ON MANAGEMENT, EDUCATION AND TRAINING RESEARCHES IN EDUCATION

Archive of SID

MARCH 10, 2024 | TEHRAN

۲۰ اسفند ۱۴۰۲

محل برگزاری: تهران

اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش



نظری شهر بوشهر - مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز - دوره سوم -
سال یازدهم، شماره های ۳ و ۴ - ص ۲۵ تا ۴۴ - ۱۳۸۴
نوحی. ع و عباس زاده. ع و مداح. ب و برهانی. ف - تجارب یادگیری مشارکتی در آموزش مساله
محور: یک مطالعه کیفی - مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت - سال ۱ - شماره ۴ - ص ۲۵۵
تا ۲۶۷ - ۱۳۹۱

Heredia Y, Icaza J.L _ Technology-based Participatory Learning for
Indigenous Children in Chiapas Schools, Mexico _ Journal of Information
Technology Education: Innovations in Practice _ Vol. 11 _ p. 251-270 _
2012